

گفت‌وگوی
روزنامه صبا با آرش
امینی، رهبر مهمان
ارکستر «خسوف»

موسیقی ایران به توجه جدی نیاز دارد

باید از میراث گذشته پلی برای آینده بسازیم



سروین دهقان
گفت‌وگو

اجرای دوباره «خسوف» در تالار وحدت، پس از حدود دو دهه، یکی از اتفاقات قابل توجه موسیقی کلاسیک و

ارکسترال ایران بود؛ اثری که به دلیل ابعاد بزرگ ارکستر، حضور گروه کر، دشواری‌های فنی و نیاز به تمرین‌های طولانی، سال‌ها امکان اجرای دوباره پیدا نکرده بود. این بار اما با حضور ارکستر سمفونیک تهران و گروه کر، پروژه‌ای با تعداد بالای نوازندگان و خوانندگان شکل گرفت و پس از چندین جلسه تمرین، روی صحنه رفت. آرش امینی، رهبر مهمان ارکستر «خسوف»، خود سابقه‌ای قدیمی با این اثر دارد. او حدود ۲۵ سال پیش، در اجرای قبلی «خسوف»، به عنوان نوازنده

ویولن ارکستر تهران حضور داشته است. همین سابقه باعث شده مواجهه او با این اثر، صرفاً مواجهه یک رهبر ارکستر با یک پارتیتور نباشد؛ بلکه بخشی از خاطرات حرفه‌ای و موسیقایی او نیز با این اثر گره خورده باشد. امینی در گفت‌وگو با روزنامه «صبا» از تجربه اجرای دوباره «خسوف»، ظرفیت‌های موسیقی ایرانی در آثار ارکسترال، وضعیت آهنگسازی در ایران، ضرورت برنامه‌ریزی برای ارکسترها، آشنی نسل جوان با موسیقی سمفونیک، نقش رسانه ملی و در نهایت ضرورت توجه جدی‌تر به موسیقی کودک و نوجوان سخن می‌گوید.

آقای امینی، اجازه بدهید گفت‌وگورا از خود «خسوف» شروع کنیم. وقتی پیشنهاد رهبری این اثر به شما شد، نخستین مواجهه‌تان با آن چه بود و چه چیزی در این اثر برای شما به عنوان رهبر ارکستر جذابیت داشت؟

من با این اثر آشنایی قبلی داشتم. حدود ۲۵، ۲۴ سال پیش که «خسوف» اجرا شد، خودم نوازنده ویولن ارکستر تهران بودم. آن زمان برای اجرای اثر، ارکستر بسیار بزرگی تشکیل شد و گروه کر تهران هم به آن اضافه شد. تمرین‌های ما بسیار مداوم و طولانی بود، چون «خسوف» هم از نظر تکنیکی برای نوازندگان و هم برای گروه کر، اثری پیچیده و دشوار است. آن اجرا در پنج شب برگزار شد و من از آن دوره خاطره بسیار خوبی در ذهنم دارم. آن زمان، مثل خیلی‌های دیگر، این اثر را دوست داشتم و طی سال‌های بعد هم

نمونه صوتی آن را بارها گوش می‌کردم. در سال‌های مختلف صحبت از اجرای دوباره «خسوف» بود، اما این اتفاق به دلایل مختلف محقق نشد. این اثر به تعداد زیادی نوازنده و خواننده، تمرین‌های فراوان و طبیعتاً بودجه قابل توجهی نیاز دارد. فراهم کردن چنین شرایطی کار ساده‌ای نیست. امسال بنیاد رودکی شرایطی فراهم کرد که ارکستر سمفونیک تهران با حداکثر تعداد اعضای خود در اختیار این پروژه قرار گرفت. گروه کر نیز با حضور رهبر کر، آقای شگرف‌کار، تمرین‌های جدی و فشرده‌ای را پشت سر گذاشت. ما حدود ۲۲، ۲۳ جلسه تمرین سخت و طولانی داشتیم تا در نهایت اثر به اجرا برسد. یکی از نکات خوشحال‌کننده برای من این بود که ارکستر سمفونیک تهران و گروه کر طی این سال‌ها آن قدر پیشرفت کرده‌اند که بدون نیاز به اضافه کردن نوازنده از کشور دیگری، توانستند از عهده اجرای چنین اثر بزرگی برآیند. این اتفاق به نظرم قابل توجه است.

«خسوف» حدود دوازدهم از نخستین اجرای خود فاصله گرفته است. آیا امروز این اثر را متعلق به زمان خودش می‌دانید یا همچنان ظرفیت‌هایی دارد که برای مخاطب امروز قابل کشف باشد؟

به نظر من این اثر همچنان تازگی خودش را دارد. «خسوف» مثل بسیاری از آثار مذهبی، به موضوعی می‌پردازد که در فرهنگ و زندگی مردم ما همچنان زنده است. واقعه عاشورا یکی از مهم‌ترین روایت‌های مذهبی ماست و آیین‌ها و مناسک مربوط به آن هر سال برگزار می‌شوند، اما هیچ‌وقت تازگی خودشان را از دست نمی‌دهند. همه ما از کودکی تا امروز با صداها، نواها، ریتم‌ها و مراسم این ایام خاطره داریم. این عناصر در گوشت و خون ما هستند. «خسوف» نیز از همین فضا بهره گرفته است. بخشی از نوحه‌ها، ریتم‌ها و حتی نواهایی که برای سازهای بادی برنجی نوشته شده‌اند، ریشه در همان صداهایی دارند که ما در ایام عاشورا در سطح شهر می‌شنویم. به همین دلیل، اثر برای مخاطب ایرانی همچنان قابل ارتباط است و به نظرم تاریخ مصرف ندارد.

یکی از ویژگی‌های مهم «خسوف» استفاده از عناصر موسیقی ایرانی در قالب یک اثر ارکسترال است. این تلفیق در ساختار اثر چگونه شکل گرفته است؟

در این اثر از گوشه‌ها و عناصر مختلف موسیقی ایرانی فراوان استفاده شده است. آقای شریفیان توانسته‌اند با تعدیل فواصل ربع‌برده‌ای و نزدیک کردن آنها به امکانات موسیقی کلاسیک، این عناصر را وارد ساختار اثر کنند و به خوبی از عهده این کار برآمده‌اند. این ویژگی در جای جای اثر شنیده می‌شود. در واقع، شما با اثری برای ارکستر سمفونیک مواجه هستید که در عین استفاده از ظرفیت‌های ارکستراسیون غربی، ریشه‌های موسیقی ایرانی را نیز در خود دارد.

شعر و کلام هم در «خسوف» جایگاه مهمی دارد. درباره انتخاب شعرها چه می‌توان گفت؟